

نقدی فقهی بر تعیین مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر*

دکتر عباس کلانتاری خلیل آباد^۱

دانشیار دانشگاه میبد

Email: abkalantari@meybod.ac.ir

دکتر نفیسه متولی زاده نائینی

استادیار دانشگاه میبد

Email: motavallizade@meybod.ac.ir

صدیقه گلستان رو

دانش آموخته دکتری فقه و حقوق جزا، دانشگاه میبد

Email: golestanroo4722@yahoo.com

چکیده

تجارت مواد مخدر، پدیده‌ای است که سال‌ها جامعه بشری را تهدید می‌کند و قانون‌گذاران در کشورهای گوناگون، در پی راهکاری برای پیشگیری از وقوع آن و برخورد با مرتکبان این جرم هستند. قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران نیز با سیاست جنایی سرکوبگرانه و تعیین مجازات سنگین با این پدیده مجرمانه مواجه شده است. یکی از مجازات‌هایی که در این باره تعیین شده، مجازات اعدام است. پرسشی که در این باره مطرح می‌شود، آن است که آیا تعیین مجازات سنگین مرگ برای تجارت مواد مخدر از دیدگاه فقه اسلام درست است؟ مبنای فقهی آن چیست؟ از دیدگاه حقوقی آیا چنین تقنینی، موجه است؟ پژوهشگران در این پژوهش با بررسی مبانی فقهی و حقوقی به نقد این شیوه قانون‌گذاری کیفری درباره مواد مخدر پرداخته و در پی اثبات این مطلب هستند که تجارت مواد مخدر یک جرم تعزیری است. تعیین مجازات اعدام به گونه‌ای که در قانون مبارزه با مواد مخدر آمده است، پشتوانه فقهی محکمی ندارد و نیازمند اصلاح است.

کلیدواژه‌ها:

مواد مخدر، مجازات اعدام، قانون مبارزه با مواد مخدر، مفسد فی الارض

* تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱۲/۰۱؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۶/۰۵/۰۷.

۱. نویسنده مسئول

۱. مقدمه

قانون گذاری یکی از مهم ترین مراحل در حقوق کیفری است، زیرا جرم انگاری و تعیین مجازات متناسب با آن، در این مرحله صورت می گیرد. مجازات ها در قانون مجازات اسلامی بر مبنای فقه اسلام تعیین می شود. بر مبنای احکام جزایی اسلام حاکم و قانون گذار جامعه اسلامی در تعیین جرایم منجر به تعزیر و میزان تعزیر آزاد است، از این رو درباره جرایم تعزیری حاکم می تواند بر مبنای مصلحت اقدام به تعیین تعزیر و مجازات حبس، تازیانه یا جزای نقدی کند.

اما درباره تعیین مجازات اعدام، قانون گذار چنین آزادی ندارد، زیرا یکی از مجازات هایی که بی تردید از کیفرهای حدی شمرده می شود، مجازات مرگ است و تعزیر تنها در قلمرو کمتر از حد، برای قانون گذار مجاز دانسته شده است. آن چه به صراحت محدودیت مجازات اعدام در اسلام را نشان می دهد، سخن خداوند بلند مرتبه درباره قتل انسان ها است که می فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» (اسراء: ۳۳ و انعام: ۱۵۱) و نفسی را که خداوند حرام کرده است، جز به حق مکشید.

صدور و اجرای مجازات مرگ همواره با اما و اگرهای فراوان همراه بوده است، زیرا از یک سو مجازات سالب حیات نقطه پایان زندگی یک انسان و حادثه ای غیر قابل جبران است و این مجازات همواره با آسیب هایی همراه بوده، همچون بحران ناشی از مرگ یکی از افراد خانواده، نبودن پدر یا مادر و ... که چه بسا منجر به بیماری های روحی این اشخاص و جرایم جدید گردد و حذف یک انسان که می تواند موجب تحمیل هزینه های حمایتی بر دولت گردد، از سوی دیگر مجازات اعدام اقدامی برای از میان برداشتن مجرمین خطرناک است، زیرا گاهی میزان آسیب های اجتماعی ناشی از یک جرم، به اندازه ای است که در آیین اسلام برای مرتکب آن، مجازات مرگ تعیین شده، در واقع این مجازات مبتلا به تضاد میان حقوق فرد و اجتماع است و به همین دلیل از سوی برخی مکاتب حقوقی مورد ایراد قرار گرفته و در بسیاری از قوانین کشورهای جهان حذف شده است، با توجه به این امور و این که یکی از ایرادهای مهمی که از سوی جوامع غیراسلامی به آیین اسلام وارد می شود، قانون گذاری و اجرای مجازات مرگ است. اگر اعدام مطابق با آموزه های صحیح اسلامی و با رعایت تمام محدوده های آن صورت نگیرد، این امر موجب تبلیغ منفی جهانی بر ضد دین اسلام می شود، در حالی که اگر از منابع اصیل اسلامی، احکام و محدوده دقیق حکم به مجازات مرگ مشخص شود، چنین پیامدهایی نخواهد داشت.

یک دسته از جرایمی که منجر به مجازات مرگ می شوند، جرایم مواد مخدر هستند که سالهاست جمهوری اسلامی ایران با سیاستی سرکوبگرانه و خشن با این دسته جرایم برخورد نموده است، با این حال درباره این جرایم و کاهش آمار جنایی آن بهبودی دیده نمی شود.

چندین سال است که بحث مجازات اعدام برای مواد مخدر و آمار بالای اعدامیان این جرایم محل بحث در جامعه ایران است، بسیاری از اعدام‌ها در ایران به خاطر جرایم مربوط به مواد مخدر است، از این رو بررسی این دسته جرایم و قانون گذاری مجازات اعدام درباره آن‌ها اهمیت دو چندان می‌یابد. نگارندگان در این پژوهش بر آن هستند ادله و مستندات این دسته جرایم و مجازات مربوط به آن‌ها را مورد بررسی فقهی قرار دهند و به بررسی فقهی و حقوقی جرم انگاری و تعیین مجازات اعدام درباره جرایم مواد مخدر بپردازند.

۲. مبانی فقهی جرم انگاری مواد مخدر

با توجه به تعیین مجازات اعدام برای موارد متعددی در جرایم مواد مخدر، این پرسش مطرح می‌شود که؛ آیا قرار دادن مجازات اعدام برای این دسته از جرایم با مبانی فقهی همخوانی دارد؟ برای پاسخ به این پرسش در ادامه به بررسی مبانی فقهی این دسته از جرایم پرداخته می‌شود.

نخستین نکته‌ای که باید به آن توجه نمود، آن است که؛ بیشتر مواد مخدر از جمله مسائل مستحدثه هستند و در قرآن و روایات مستندی ندارند، از این رو باید به موارد مشابه آن یعنی احکام مربوط به مسکرات مراجعه نمود، از این رو نخست به تعریف این مواد و شباهت و تفاوت مخدرات و مسکرات پرداخته می‌شود.

ریشه‌ی مسکر از واژه سَكَّرَ به معنی مستی و زوال عقل آمده است. (اصفهانی، ۴۱۶) مُسکر اسم فاعل است از باب إسکار، إسکار به معنی مست کردن و مایه‌ی مستی شدن است و مُسکر به معنی مست کننده است. مخدرات یا مخدر از کلمه الخدر گرفته شده که بمعنای ضعیف سستی، نرمی و ناتوانی است همچنین به معنای سردی نیز آمده و معانی ترس، کندی، حیرانی، تردد، تبلی، بی غیرتی و بی همتی را در بر می‌گیرد، (ابن منظور، ۲۳۲/۴) و همه این صفات در شخص معتاد به مواد مخدر پیداست. می‌توان گفت مواد مخدر، موادی دارای عناصر تحریک کننده یا تسکین دهنده هستند که در غیر موارد طبی یا صنعتی به کار برده شود و مصرف این مواد شخص را به مداومت و معتاد شدن بکشاند.

۲-۱. شباهت و تفاوت مواد مخدر و مسکرات

بین مواد مخدر و مسکرات شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد که در تعیین احکام مربوط به این امور اهمیت به سزایی دارند.

الف) شباهت‌ها

مهم‌ترین وجوه اشتراک که بین مسکرات (خمر) و مواد مخدر وجود دارد، به شرح ذیل می‌باشد:

الف) بین مواد مخدر و خمر (شراب) نقطه‌ی مشترکی وجود دارد که آن، عبارت است از این که هر دو در فساد و تباهی عقل و پدید آوردن سستی در اعضا و بدن مشترک هستند و در ضمن هر دو باعث به وجود آوردن افکار پلید و فاسدی می‌گردند که منجر به ارتکاب برخی از جرائم و جنایات می‌شود. این امر واقعیتی است که تحقیقاتی که به صورت میدانی بر معتادان انجام گرفته، آن را به اثبات رسانیده است. (طیار، ۸۹)

ب) مصرف مسکرات و مواد مخدر هرکدام به گونه‌ای باعث اعتیاد و وابستگی فرد مصرف‌کننده می‌شود. (همان)

ج) مواد مسکر و مخدر هرکدام به گونه‌ای ویژه باعث ایجاد تحریک و انگیزش در بدن می‌گردند. مخدرها به عنوان آرامش‌دهنده و مشروبات الکلی به عنوان محرک‌های نشاط‌آور.

د) استعمال هر یک از مخدرات و مشروبات الکلی بر سیستم اعصاب مرکزی تأثیر می‌گذارد.

ه) استعمال هر یک از مسکرات و مواد مخدر در افراد با ویژگی‌های مختلف، به میزان متفاوتی باعث فقدان شعور و آگاهی و گاهی موجب از بین رفتن قدرت تمییز و تشخیص می‌شود.

و) استعمال هر یک از مواد مخدر یا مسکر باعث ضرر رساندن به سلامتی افراد می‌شود و همچنین زیان‌های روانی، جسمی و اجتماعی را در پی دارد. (فتوحی بهنسی، ۲/ ۳۹۶-۳۹۴)

ز) تأثیر مسکر و مخدر بر یک شخص فرق می‌کند، همچنین از نظر کمیت تأثیر آن در افراد مختلف، متفاوت است. ولی آنچه بدون هیچ شبهه‌ای مسلم است، این است که تأثیر مواد مخدر از تأثیر مسکر اگر بالاتر و بیشتر نباشد، کمتر هم نیست. (طیار، ۱۴)

ب) تفاوت‌ها

مواد روان‌گردان و مخدر و مسکرات (خمر) در موارد متعددی باهم دیگر متفاوت هستند که مهم‌ترین آن‌ها به شرح ذیل می‌باشد:

الف) الکل موجود در مسکرات با عنوان بهترین حلال شیمیایی مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما مواد مخدر این گونه نیستند.

ب) مواد مخدر برای تسکین دردها و بیماری‌ها به عنوان آرام‌بخش و مسکن استفاده می‌شود، اما الکل این گونه نیست.

ج) مواد مخدر مستقیماً بر خود مصرف‌کننده تأثیر می‌گذارد، اما مشروبات الکلی، صرفاً موجب تحریک و هیجان و احساس شور و نشاط در شخص می‌شود و گاهی شخص را برای ماجراجویی و فتنه آماده می‌سازد.

د) مواد مخدر در عمل‌های جراحی با عنوان بیهوش کننده و داروهای بی حس کننده مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما مسکرات این گونه نیستند. (همو)

ه) در خصوص مشروبات الکلی، ذات مسکر حالاتی مانند، طرب، شادی، احساس هیجان، عربده کشی، خشم و احساس زور و قدرت به شارب مسکر دست می‌دهد، ولی از ذات تخدیر عکس این حالات؛ یعنی احساس رخوت، ضعف و سستی، سکوت، خواب و بیهوشی به فرد مصرف کننده‌ی مواد مخدر، دست می‌دهد.

پس صحیح است که هر مخدری را مسکر بدانیم. به عنوان مثال می‌توان گفت که بنج و امثال آن، مسکر و مخدر هستند، اما صحیح نیست بگوییم که هر مسکری، مخدر هم می‌باشد؛ بنابراین جایز نیست که بگوییم خمر؛ مسکر و مخدر است. (هلالی، ۱۴۵) البته این سخن قابل نقد است که بتوان هر مخدری را مسکر دانست، زیرا تفاوت‌ها مانع این گونه قضاوت کردن می‌شود که در ادامه مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

البته تفاوت و شباهت‌های دیگری نیز میان مخدرات و مسکرات وجود دارد، اما موارد بیان شده از اهم این امور هستند.

۳. مسکر بودن یا نبودن مواد مخدر و روان گردان

درباره الحاق یا عدم الحاق حکم مخدرات و روان گردان به مسکرات میان فقها دیدگاه‌های گوناگونی بیان شده است. فقهای مذاهب اسلامی، درباره‌ی چگونگی و تطبیق مواد مخدر اختلاف نظر دارد که آیا این مواد، مواد سکرآور و نشئه‌آور هستند و به مسکرات ملحق می‌گردند؟ یا این مواد تنها مخدرند و به مسکرات ملحق نمی‌شوند؟

شهید اول در این باره می‌گوید: آن چه بر اثر مصرف آن عقل آدمی از بین می‌رود، بر چند قسم است: اگر به همراه از بین رفتن عقل، حواس پنج‌گانه نیز از بین برود، این ماده مرقد (خواب‌آور) است، چنان چه با از بین رفتن عقل، حواس پنج‌گانه از بین نرود، بلکه حالت شادی و نشاط در انسان ایجاد شود، این ماده سکرآور است. اگر با از بین رفتن عقل، احساس شادی و سرور پیدا نشود آن ماده فساد آور است مانند بنگ. علمای معاصر و گذشته اتفاق دارند استعمال حشیش، حرام است و این حکم یا به خاطر فساد آن است، پس استعمال کننده مشمول مجازات تعزیر قرار می‌گیرد، یا این تحریم به خاطر سکرآور بودن آن است که در این صورت بر استعمال کننده حد شرعی واجب می‌شود. موادی مانند حشیش، خلط‌های مخفی در بدن را هر چه باشد برمی‌انگیزد، مثلاً کسی که صفرا داشته باشد، صفرایش تیزتر می‌شود، کسی

که بلغم دارد، سنگینی و خاموشی به او دست می‌دهد و کسی که دارای سودا است، گریه و پریشانی بر او عارض می‌شود و در برخی حالت خاموشی و سکوت ایجاد می‌شود، بر خلاف خمر که از گریه و خاموشی دور است. این امور اگر صحیح باشد، تعارضی با زوال عقل ندارد، بلکه زوال عقل را تاکید می‌کند. (شهید اول، القواعد و الفوائد، ۲/ ۷۴-۷۳) یعنی شهید به وجود دو دیدگاه و ثمره آن اشاره نموده اند، یعنی اگر حرمت به خاطر مسکر بودن باشد، موجب حد و در غیر این صورت و اگر به خاطر فسادآور بودنش باشد، منجر به تعزیر خواهد شد.

مسکرات با مرقدات و مفسدات در سه چیز فرق دارند؛ لزوم اجرای حد، نجس بودن و حرام بودن مقدار اندکی از آن؛ مرقد و مفسد، حد ندارد و نجس نیست و کسی که افیون یا بنگ به همراه دارد، اجماعاً نمازش باطل نیست و مصرف اندکی از آن نیز جایز است، پس مصرف یک حبه بنگ، افیون یا شوکران جایز است تا جایی که به اندازه تأثیرگذاری بر عقل یا حواس انسان نرسد. (قرافی، ۲۱۸)

برخی فقها ملاک را در اقامه حد، مسکر بودن دانسته اند، هر مسکری جامد باشد یا مایع ملحق به خمر است مانند حشیش. (امام خمینی، تحریرالوسیله، ۲/ ۱۶۶؛ علامه حلی، ۳/ ۳۳۲) صاحب جواهر درباره مسکرات می‌گوید: در فهم معنای مسکر، همانند دیگر الفاظ به عرف مراجعه می‌شود، عبارت است از آن چه موجب اختلال در نظم کلام می‌شود و راز پنهان را آشکار می‌کند یا عقل را تغییر می‌دهد و ایجاد شادمانی و انرژی در بیشتر اشخاصی که خورده اند، می‌گردد. آن چه تنها عقل را تغییر می‌دهد و حواس خمسه را از بین ببرد، مرقد است، در غیر این صورت، مانند بنگ، مفسد عقل است. عرف بین مسکر و مخدر و مرقد، تفاوت را پذیرفته است و آن‌ها را یکی نمی‌داند. (۴۱/ ۴۴۹) با توجه به این که تشخیص موضوعات احکام، هنگامی که شارع درباره آن ساکت است، به عرف واگذار شده است، صاحب جواهر نیز با استناد به همین قاعده به تشخیص مسکر از غیر آن پرداخته است. این بهترین دیدگاه است و با این ملاک نمی‌توان مواد مخدر را مسکر دانست، بلکه قلمرو آن‌ها جداگانه است.

از سویی استعمال کنندگان خمر همه مست و مسرور و از حالت خاموشی و گریه به دور هستند. نوشندگان شراب در حالت مستی شروع به عربده‌کشی می‌کنند، طغیانگر می‌شوند، به کارهایی هجوم می‌برند که در حالت هوشیاری چنین کاری را انجام نمی‌دهند؛ اما استعمال کنندگان مواد مخدر از قبیل حشیش وقتی دورهم جمع می‌شوند چنین چیزی بین آن‌ها اتفاق نمی‌افتد، بلکه افسرده و خاموش می‌باشند. عربده‌کشی‌هایی که از شراب‌خوار شنیده می‌شود، از این‌ها شنیده نمی‌شود. از این رو مواد مخدر از مفسدات هستند. (قرافی، ۲۱۸) در کنار سخن صاحب جواهر که عرف را حاکم بر تشخیص مسکر و مخدر دانست و توجه به قاعده درء می‌توان این نکته را پذیرفت که جدا دانستن مسکرات از مخدرات و در

نتیجه پذیرفتن تعزیر برای استعمال مخدرات دیدگاه بهتری است.

سید محمد باقر صدر تیزبینانه تفاوت مسکر و مخدر را بیان نموده است، ایشان دلیل حرمت شرب خمر را اسکار و مست کنندگی و دلیل حرمت مخدرات را ضرر آن‌ها می‌داند. (۳/ ۳۶۸-۳۶۷)

شایان ذکر است که به طور کلی در مذهب امامیه، فقها بر حرمت استعمال مواد مخدر و روان‌گردان اتفاق نظر دارند. (باصری، ۶۱) و فقهای معاصر بر حرمت مواد مخدر اجماع دارند، برای نمونه می‌توان به دیدگاه برخی از فقها اشاره نمود: هرئین حرام است و ارتزاق به آن جایز نیست و اعتیاد به تریاک جایز نیست و معتاد در صورت عدم لزوم ضرر (یعنی اگر ضرر نداشته باشد) باید آن را ترک کند و خرید و فروش یا کشت منوط است به مقررات دولت اسلامی و تخلف جایز نیست. (خیمینی، استفتانات: ۳۷-۳۵)

استعمال مواد مخدر و استفاده از آن‌ها مطلقاً حرام است، به خاطر ضررهای فردی و اجتماعی که بر آن‌ها مترتب است و به همین جهت خرید و فروش و جابجایی و نگهداری آن‌ها هم حرام است، مگر در مورد معالجه مرض، آن هم با تشخیص پزشک ماهر و مورد اعتماد که در این صورت، استعمال آن به مقدار ضرورت اشکالی ندارد. (خامنه ای، ۱۱۰) استعمال مواد مخدر و خرید و فروش آن‌ها حرام است و استعمال دخانیات نیز اگر زمینه اعتیاد را ایجاد کند، حرام است و معتاد در صورت عدم ضرر باید آن را ترک کند و خرید و فروش یا کشت منوط است به مقررات دولت اسلامی و تخلف جایز نیست. (لنکرانی، ۲۱۹)

اما حکم حرمت ملازمه‌ای با مسکر بودن مواد مخدر و روان‌گردان، ندارد. از این رو الحاق مواد مخدر و روان‌گردان به مسکرات و قلمرو حدود، صورت نمی‌گیرد و این امر با تفسیر مضیق قوانین جزایی و عدم جواز قیاس در حدود نیز همخوانی دارد.

۴. تعزیر یا حد بودن تجارت مواد مخدر و روان‌گردان

همان گونه که در مواد قانون مبارزه با مواد مخدر، دیده می‌شود، مجازات‌ها برای حمل و نگهداری و خرید و فروش مواد مخدر است، برای پی بردن به حکم مربوط به تجارت مواد مخدر و روان‌گردان نیز باید به موارد همانند و نزدیک به آن یعنی آرای فقها درباره تجارت مسکرات مراجعه نمود.

نخستین نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که؛ حکم تجارت مسکرات چیست تا در پی آن بتوان حکم تجارت مواد مخدر و روان‌گردان را استخراج نمود. درباره حکم به حرمت خرید و فروش خمر و مسکرات، میان فقها اختلافی دیده نمی‌شود، اما مسئله خرید و فروش مسکرات طی دو شاخه بیان شده است؛

الف) خرید و فروش خمر (شراب انگوری): مسلمین بر حرمت خمر به معنای شراب انگوری که

مست کننده باشد، اجماع دارند. (طوسی، خلاف، ۴۷۴/۵) از سویی یکی از اموری که موجب تحقق جرم ارتداد می شود، حلال شمردن یکی از محرّمات اجماعی همچون؛ مرده، خون، زنا، گوشت خوک، است که در این صورت اگر مرتد فطری باشد، کشته می شود وگرنه توبه داده می شود و اگر توبه نکرد، کشته می شود. (شهید اول، لمعه دمشقیه، ۲۴۲) با توجه به این دو حکم، روشن می شود که هر کس خمر را حلال بشمارد مرتد است و حکم مرتدین برای او اجرا می شود. (ابن ادریس حلی، ۴۷۶/۳) پس شراب انگوری از این جهت که مورد اتفاق همه مسلمین قرار دارد، از دیگر مسکرات جدا می شود.

اما حکم خرید و فروش خمر بستگی به اعتقاد طرفین معامله دارد؛ اگر با اعتقاد به حلیت خرید و فروش نماید، فقها دو دیدگاه را ارائه داده اند؛ گروهی معتقدند: هر کس خمر را خرید و فروش کند توبه داده می شود، بدون توجه به فطری یا ملی بودن، و گرنه کشته می شود. (طوسی، نهاییه، ۷۱۳-۷۱۲، سلار، ۲۵۹) اما دیدگاه بهتر آن است که چون تحریم خمر از ضروریات دین اسلام است و هر ضروری که حلال شمرده شود، حلال شمارنده کافر است و چنین شخصی مرتد به شمار می آید و به ملی و فطری تقسیم می شود. (شهید ثانی، مسالک الافهام، ۴۶۹/۱۴) و این دیدگاه با مبانی فقه سازگارتر است، زیرا توبه، ویژه مرتد ملی است و جدا کردن حکم ملی و فطری، دیدگاه درستی است.

اما اگر کسی فقط خمر را خرید و فروش نماید، بدون اعتقاد به حلیت، تحریمش معلوم نیست زیرا در شرایط اضطراری و برای حفظ جان نوشیدن خمر جایز است. (نجفی اصفهانی، ۴۶۷/۴۱) از این رو کسی که خمر را خرید و فروش می کند و حلال نمی شمارد، تعزیر می شود. (محقق اردبیلی، ۲۰۵/۱۳) پس خرید و فروش خمر فقط با اعتقاد به حلیت و با وجود شرایط ویژه آن، مستوجب مجازات مرگ است.

ب) خرید و فروش دیگر مسکرات: اما درباره مسکرات دیگر همچون فقاق که مسلمین بر حرمت آن ها اجماع ندارند، حلال شمارنده آن ها کشته نمی شود، چون شبهه وجود دارد و مسلمین درباره آن اختلاف دارند و بعضی آن را حلال می دانند و همین نکته برای کافر ندانستن کسی که آن را حلال می داند، کافی است، چون از ضروریات دین اسلام نیست. بلکه چنین شخصی به خاطر ارتکاب حرام، تعزیر می شود. (شهید ثانی، ۴۷۰/۱۴) پس خرید و فروش مسکرات بجز خمر موجب حکم قتل نیست، حتی اگر توبه نکند، بلکه تأدیب می شود. (علامه حلی، ۵۵۲/۳) مهم ترین و تنها دلیل تعزیر کسی که غیر خمر را خرید و فروش می نماید، اختلاف مسلمین درباره حرمت غیر خمر است که موجب می شود از ضروریات دین اسلام نباشد و مرتکب آن، مرتد شمرده نشود و گذشته از آن صرف خرید و فروش خمر موجب تعزیر است، پس به طریق اولی خرید و فروش غیر خمر نیز موجب تعزیر است و حد ندارد.

با توجه به حکم فقهی مسکرات و این که خرید و فروش غیر خمر، تعزیر دارد، حکم خرید و فروش

مواد مخدر و روان گردان روشن می‌شود، زیرا حتی اگر حرمت و مسکر بودن این مواد را با وجود اختلاف دیدگاه‌ها بپذیریم، باز هم خرید و فروش این مواد تعزیر خواهد داشت و مستوجب حد نیست، زیرا مصرف این مواد حتی اگر آن را ملحق به مسکرات بدانیم، یقیناً شرب خمر شمرده نمی‌شود و از ضروریات دین اسلام که حلال شمردنش منجر به ارتداد می‌شود نیز محسوب نمی‌گردند، پس حلال شمردن مواد مخدر و روان گردان موجب ارتداد نمی‌شود، از سویی زمانی که خرید و فروش مسکرات غیر خمر که برای بسیاری از آن‌ها نص شرعی داریم و حتی خمر که از ضروریات اسلام است، خرید و فروشش بدون اعتقاد به حلیت، مستوجب تعزیر است، به طریق اولی خرید و فروش مواد مخدر و روان گردان یقیناً مستوجب تعزیر است.

۵. شرعی یا غیر شرعی بودن مجازات اعدام برای تجارت مواد مخدر

از آن جا که خرید و فروش مواد مخدر و روان گردان از تعزیرات شمرده می‌شود، باید به قواعد حاکم بر تعزیرات توجه نمود. قاعده حاکم بر میزان مجازات‌های تعزیری «التعزیر دون الحد است» که بر مبنای آن تعزیر در کمتر از حد ممکن است. (شیخ مفید، ۷۹؛ سید مرتضی، ۵۱۳، امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، ۴۹۸) فقهای اهل سنت نیز در موارد تعیین تعزیر برای جرایمی مانند نزدیکی با چهارپایان، حکم تعزیر کم تر از حد را بیان نموده‌اند. (ابن حزم، ۱۱/۳۸۶؛ نووی، ۲۰/۲۸) و تعزیر بنابر تعریف مشهور به معنای کیفری است که شارع اندازه معینی برای آن مشخص نکرده است. (محقق حلی، ۴/۹۳۲) البته گاهی شارع اقدام به تعیین تعزیر نموده است، اما در موارد دیگر که شارع اقدام به تعیین مجازات نموده، امر تعزیر و تعیین مجازات تعزیری بر عهده حاکم قرار داده شده است، مشخص نمودن این که کدام گناهان موجب تعزیر هستند و تعیین مقدار مجازات تعزیری، بر عهده حاکم است. که از آن به «التعزیر بما یراه الحاکم» نام برده می‌شود. (عمید زنجانی، ۱۵۲)

با توجه به این مطالب و از آن جا که یکی از کیفرهایی که به طور یقینی از مجازات‌های حدی شمرده می‌شود، اعدام است. مهم‌ترین و کم‌ترین دستاورد حاصل از قاعده التّعزیر دون الحد، این است که هیچ کس را نمی‌توان از طریق تعزیر اعدام کرد. (محقق داماد، ۲۱۸) بر همین مبنا است که هیچ یک از فقهای شیعه به جواز قتل مجرمین به عنوان تعزیر، فتوا نداده‌اند. (انصاری، ۲۳۶) زیرا اعدام از جمله مجازات‌های حدی است و حاکم موظف است، در صدور حکم به مجازات تعزیری، ملاک کمتر از حد را رعایت نماید.

با این مقدمات روشن می‌شود؛ تعیین مجازات اعدام برای جرمی که تعزیری شمرده می‌شود، با مبانی

فقهی سازگاری چندانی ندارد و از دیگر سو با توجه به قاعده احتیاط در دماء و این که چنین مجازاتی باید به طور یقینی و با ادله یقینی صادر گردد، با ایراد جدی مواجه است و این قانون نیازمند بازبینی است. زیرا مستندی از جمله دلیل قطعی یا اماره شرعی برای صدور حکم اعدام به خاطر ارتکاب جرایم مواد مخدر وجود ندارد، در نتیجه درباره جواز یا عدم جواز صدور حکم تردید ایجاد می‌شود و در این باره قاعده احتیاط در دماء، مجرای عمل می‌یابد و بر طبق آن بدون دلیل یقینی نمی‌توان چنین حکمی را قانون گذاری و در پی آن اجرا نمود، از این رو بهتر است قانون گذار برای حل این مشکل اقدام به تعیین مجازات‌های دیگری برای این گونه جرایم بنماید. تعیین مجازات مرگ برای یک جرم تعزیری؛ آن هم حمل و جابجایی مواد مخدر، به این صورت و با این گستردگی، به شدت با قاعده احتیاط در دماء، تعارض دارد و این قاعده مانعی جدی برای اجرای چنین مجازاتی است.

قانون گذار در تعیین مجازات‌های تعزیری با محدودیتی که در تعیین مجازات‌های حدی روبرو است، روبرو نمی‌باشد، زیرا تعیین آن به حاکم سپرده شده است. اگر ایراد گرفته شود که حاکم به عنوان تعزیر می‌تواند اقدام به مجازات اعدام نماید، باید به این نکته توجه نمود که؛ حتی اگر اعدام در تعزیر را هم روا بدانیم، قاعده درء به عنوان مانعی برای تعیین و اجرای مجازات مرگ برای تجارت مواد مخدر و روان گردان، وجود دارد. زیرا در قانون مبارزه با مواد مخدر و تعیین مجازات مرگ برای برخی از مرتکبین این جرایم، از آن جا که فقها درباره خرید و فروش مشروب بدون اعتقاد به حلیت، حکم به عدم اجرای حد داده اند. (طوسی، النهایه، ۷۱۲) قانون گذار با تردید روبرو می‌شود و این حکم، واردکننده شبهه جدی بر تدوین و وضع چنین موادی است، آن هم درباره مواد مخدر و روان گردان که درباره الحاق یا عدم الحاق آن به مسکرات اختلاف وجود دارد. با وجود شبهه برای قانون گذاری و اجرای مجازات اعدام برای مرتکبین تجارت مواد مخدر و روان گردان، قاعده درء مانع این روند خواهد بود و مواد مربوط به مجازات اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر نیازمند بازبینی و اصلاح است، اما مجازات‌های حبس و جزای نقدی چون تعزیری و وابسته به دیدگاه حاکم اسلامی است، از این جنبه با ایراد و اشکالی روبرو نیستند.

۶. مفسد فی الارض بودن یا نبودن قاچاقچی مواد مخدر

شاید برخی این اشکال را مطرح نمایند که حکم اعدام قاچاق مواد مخدر به خاطر افساد فی الارض است! در پاسخ به این دیدگاه می‌توان گفت: درباره تعریف و تعیین قلمرو جرم افساد فی الارض و این که آیا این جرم جدا از محاربه است و یا یکسان هستند، میان فقها دیدگاه‌های گوناگونی مطرح است و در این باره اتفاق ندارند.

گذشته از روایات، مستند اصلی جرم انگاری محاربه و افساد فی الارض، قرآن کریم است که می‌فرماید: «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعُونَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَجْزُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (مانده: ۳۳) «سزای کسانی که با [دوستان] خدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند، جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند، این، رسوایی آنان در دنیا است و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت.»

در این آیه خداوند بلندمرتبه پس از بیان «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ» جمله «يَسْعُونَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا» آمده است که مشخص می‌کند منظور از محاربه، فساد در زمین است از راه اخلال در امنیت عمومی و راهزنی، و امنیت عمومی فقط با ایجاد ترس عمومی و قرار گرفتن ترس به جای امنیت، مختل می‌شود. ترس عمومی نیز طبعاً و عادتاً فقط از راه به کارگیری سلاح و تهدید به قتل ایجاد می‌شود، از این روست که فساد در زمین در روایات به کشیدن شمشیر و سلاح‌های کشنده دیگر تفسیر شده است. (طباطبائی، ۱۲۷-۱۲۶) پس این آیه به جرم محاربه اشاره نموده و افساد فی الارض را ویژگی آن دانسته، یعنی این آیه یک جرم را بیان می‌نماید، محاربه به قصد افساد فی الارض که این برداشت با روایات و فهم فقها هماهنگ است. (هاشمی، ۱۹۶-۱۹۵) پس این آیه فقط محاربه را بیان می‌کند، حتی اگر محاربه را جرمی جداگانه بدانیم، در این آیه نوع خاصی از افساد فی الارض بیان شده است. با استناد به این آیه تنها می‌توان قاچاق مسلح مواد مخدر که موجب ترس مردم و سلب امنیت شود را جرم انگاری نمود.

البته در آیه پیشین نیز به افساد فی الارض اشاره شده است: «مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مانده: ۳۲)

مفسران ذیل این آیه بیان نموده اند که؛ فساد در زمین فقط با حرب الله و رسول او و ناامنی راههاست، بنابر آن چه خداوند بلندمرتبه در آیه بعد فرموده است. (طبرسی، ۳/۳۲۲؛ طوسی، تبیان، ۳/۵۰۳) پس این آیه توسط آیه بعد تفسیر به محاربه شده است و این آیه نمی‌تواند مستند جرم افساد فی الارض قرار گیرد.

آیا می‌توان با استدلال به این آیه، افساد فی الارض را جرم جداگانه و موجب مجازات اعدام دانست؟ آیا افساد فی الارض عنوانی عام است و جرایم توزیع مواد مخدر و ... را در بر می‌گیرد؟ به نظر می‌رسد، نمی‌توان چنین استدلالی نمود، زیرا این آیه بیش از این دلالت ندارد که حکم حرمت قتل نفس در پاره‌ای از موارد یعنی در مواردی که قتل نفس در مقابل قتل نفس یا افساد در زمین باشد، منتفی است، اما بیان شروط

و قیود قتل نفس در برابر نفس و افساد، در این آیه بیان نشده است و باید از ادله دیگر به دست آورد، شاید قید محاربه که در آیه بعد و روایات بیان شده است، شرط باشد. (هاشمی، ۱۹۹) پس با استناد به این آیه نمی‌توان مجوز قتل مفسد فی الارض را صادر نمود، زیرا بلافاصله آیه بعد درباره محاربه که قصد افساد فی الارض داشته محکوم به قطع، صلب، تبعید یا اعدام، شده است که درباره تعیین مجازات اعدام برای مفسد، ایجاد شبهه می‌نماید و همین شبهه به خاطر قاعده درء، برای عدم جواز تعیین مجازات اعدام کافی است.

از سویی فقها در پاره‌ای موارد، حکم به مجازات مجرم به عنوان افساد فی الارض داده اند، اما تنها گاهی و در برخی موارد خاص، مانند کسی که عادت به قتل کفار ذمی کرده باشد، حکم به اعدام مفسد فی الارض داده اند. (شهیدثانی، شرح لمعه، ۵۵/۱۰) که خود نشانگر آن است که فقها نیز بر تعیین اعدام مفسد فی الارض چنین اتفاق نظری ندارند.

پس از دیدگاه فقها درباره استقلال یا عدم استقلال این جرم، اختلاف نظر است و هیچ یک از فقهای امامیه برای این جرم باب جداگانه‌ای را اختصاص نداده است و از سویی درباره قلمرو این جرم نیز اختلاف است، تا جایی که برخی محققان تشخیص مصادیق و تعریف مفسد فی الارض را عرفی دانسته اند، مبنی بر این که: اقدام به هر عملی با قصد به فساد کشاندن گسترده جامعه اسلامی و تلاش در راستای برهم زدن امنیت نظام اسلامی، افساد فی الارض است. (گلدوزیان، ۲۶۸) که به نظر می‌رسد، نمی‌توان مشخص شدن قلمرو جرمی حدی و بر طبق قانون مجازات اسلامی، موجب مجازات مرگ را به عرف واگذار نمود. رویه شارع بر آن است که در جرایم حدی، تمام شرایط لازم برای تحقق یک رفتار مجرمانه، شیوه اثبات و حتی چگونگی اجرای مجازات را به طور دقیق، بیان نماید. پس چنین برداشتی با رویه شارع درباره جرایم حدی همخوانی ندارد.

با توجه به اختلافات موجود درباره میزان مجازات مفسد فی الارض و قلمرو آن، درباره جرم انگاری مستقل و تعیین مجازات برای این جرم اتفاق نظر وجود ندارد، پس قاعده درء در این جا حکم به عدم مجازات در موارد مشکوک می‌دهد، به ویژه آن که درباره مجازات اعدام، قاعده احتیاط در دماء نیز مانع حکم مرگ در موارد مشکوک است، پس بهترین گزینه آن است که در چنین مواردی به قدر متیقن اکتفا شود و آن یکسان دانستن جرم محاربه و افساد فی الارض است یا در صورت جدا نمودن آن‌ها، اکتفا به موارد حداقلی است، زیرا اگر هدف شارع جرم انگاری مستقل مفسد فی الارض به طور گسترده بود، در کتاب و سنت به آن اشاره دقیق و بدون ابهام صورت می‌گرفت.

به هر صورت، از ارکان اصلی جرم محاربه و افساد، ایجاد ناامنی است در حالی که تجارت مواد

مخدر چنین اثری ندارد. باز هم تنها قاچاقچیان مسلح که سلاح کشیده اند، بر طبق قانون مجازات اسلامی و فقه اسلامی به قلمرو جرم محاربه نزدیک تر هستند تا افساد فی الارض، زیرا شاید جهت ترساندن مردم و حمل و نقل راحت مواد اقدام به چنین کاری نمایند. گروهی که به صورت باند و سازمان یافته اقدام به قاچاق می کنند، در صورت گستردگی عملکرد، در قلمرو افساد فی الارض قرار می گیرند. از این رو مانع مهم فقهی در جرم انگاری و تعیین مجازات اعدام برای جرایم مواد مخدر نمایان می شود و آن قاعده درء است که حکم به درء حدود به واسطه وجود شبهه می نماید، از این رو نمی توان تجارت مواد مخدر را افساد فی الارض و موجب اعدام دانست. از سوی دیگر بر طبق قاعده احتیاط در دماء نیز درباره مجازات مرگ باید به قدر متیقن اکتفا نمود و در موارد مشکوک باید از صدور و اجرای حکم اعدام خودداری نمود و قدر متیقن از افساد فی الارض، تجاوز به جان و مال و ناموس مردم و سلب امنیت از جامعه است و چنین معنایی، آن هم به سختی، شامل باندهایی که به طور گسترده و شبکه ای کار می کنند، می شود.

از دیدگاه قانونی نیز در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۲۸۶ مفسد فی الارض به این صورت تعریف شده است؛ «هر کس به طور گسترده مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد، به گونه ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می گردد.» با توجه به این ماده، حتی اگر بپذیریم مجازات مفسد فی الارض اعدام است و قاچاق مواد مخدر را به قلمرو این جرم بیفزاییم، از دیدگاه عنصر قانونی جرم بسیاری از مواد قانون جرایم مواد مخدر، با اشکال و ایراد روبرو هستند، زیرا در ماده ۲۸۶ ق.م.ا قانون گذار برای تحقق جرم افساد فی الارض، گستردگی عمل مجرمانه، ایجاد اختلال شدید در نظم عمومی کشور و یا ورود خسارت عمده را لازم دانسته است، در حالی که در موادی از قانون جرایم مواد مخدر، بدون وجود چنین عناصری حکم به مجازات مرگ صادر شده است. به طور مثال:

ماده ۲: هر کس مبادرت به کشت خشخاش یا کوکا کند و یا برای تولید مواد مخدر یا روان گردان های صنعتی غیردرونی به کشت شاهدانه بپردازد، علاوه بر امحاء کشت بر حسب میزان کشت به شرح زیر مجازات خواهد شد: ... ۱- بار اول، ده تا صد میلیون ریال جریمه نقدی ... ۴- بار چهارم، اعدام.

ماده ۴: هر کس بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیر، سوخته، تفاله تریاک و یا دیگر مواد مخدر یا روان

گردان‌های صنعتی غیر داروئی که فهرست آن‌ها به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد را به هر نحوی به کشور وارد و یا به هر طریقی صادر یا ارسال نماید یا مبادرت به تولید، ساخت، توزیع یا فروش کند یا در معرض فروش قرار دهد با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد مذکور به مجازات‌های زیر محکوم می‌شود:

۱- تا پنجاه گرم، تا چهار میلیون ریال جریمه نقدی و تا پنجاه ضربه شلاق...

۴- بیش از پنج کیلوگرم، اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم.

تبصره- ... در اوزان بالای بیست کیلوگرم مرتکبین تحت هر شرایطی اعدام می‌شوند.

ماده ۵: « هرکس تریاک و دیگر مواد مذکور در ماده ۴ را خرید، نگهداری، مخفی یا حمل کند با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد و تبصره ذیل همین ماده به مجازات‌های زیر محکوم می‌شود:

۱- تا پنجاه گرم، تا سه میلیون ریال جریمه نقدی و تا پنجاه ضربه شلاق...

۶- بیش از یکصد کیلوگرم، علاوه بر مجازات جریمه نقدی و شلاق مقرر در بندهای ۴ و ۵ حبس ابد

و در صورت تکرار اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم...

ماده ۶- ... چنانچه در نتیجه تکرار جرائم موضوع بندهای مذکور از ماده ۴ میزان مواد به بیش از پنج

کیلوگرم برسد مرتکب به مجازات اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم محکوم می‌شود و ...

ماده ۸- هر کس هروئین، مرفین، کوکائین و دیگر مشتقات شیمیایی مرفین و کوکائین و یا لیزرژیک

اسید دی اتیل آمید (ال.اس.دی)، متیلن دی اکسی مت آفتامین (ام.دی.ام.آ. یا آکستاسی)، گاما

هیدروکسی بوتیریک اسید (جی.اچ.بی)، فلونیترازیام، آفتامین، مت آفتامین (شیشه) و یا دیگر مواد

مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیرداروئی که فهرست آنها به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌رسد را

وارد کشور کند و یا مبادرت به ساخت، تولید، توزیع، صدور، ارسال، خرید یا فروش نماید و یا در معرض

فروش قرار دهد و یا نگهداری، مخفی یا حمل کند با رعایت تناسب و با توجه به میزان مواد به شرح زیر

مجازات خواهد شد.

۱- تا پنج سانتی گرم، از پانصد هزار ریال تا یک میلیون ریال جریمه نقدی و بیست تا پنجاه ضربه

شلاق...

۶- بیش از سی گرم، اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم...

ماده ۹: مجازات‌های مرتکبین جرائم مذکور در بندهای ۱ تا ۵ ماده ۸ ... چنانچه در مرتبه چهارم

مجموع مواد مخدر در اثر تکرار به سی گرم برسد مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات

اعدام محکوم می‌شود. حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی محکوم و در ملاء عام اجرا خواهد

شد. چنانچه مجموع مواد مخدر در مرتبه چهارم در اثر تکرار به سی گرم نرسد مرتکب به چهل تا شصت میلیون ریال جریمه نقدی ده تا پانزده سال حبس وسی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌شود. ماده ۱۱: مجازات اعدام به قاچاق مواد مخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیر دارویی موضوع این قانون به طور مسلحانه اعدام است و حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی مرتکب در ملاء عام اجرا خواهد شد.

ماده ۱۸: هرکس برای ارتکاب هر یک از جرائم موضوع این قانون، اشخاصی را اجیر کند یا به خدمت گمارد و یا فعالیت آنها را سازماندهی و یا مدیریت کند و از فعالیت‌های مذکور پشتیبانی مالی یا سرمایه‌گذاری نماید، در مواردی که مجازات عمل مجرمانه حبس ابد باشد به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم و در سایر موارد به حداکثر مجازات عمل مجرمانه، محکوم می‌شود. مجازات سرکرده یا رئیس باند یا شبکه اعدام خواهد بود.

ماده ۳۵: هرکس اطفال و نوجوانان کمتر از هجده سال تمام هجری شمسی و افراد محجور عقلی را به هر نحو به مصرف و یا به ارتکاب هر یک از جرائم موضوع این قانون وادار کند و یا دیگری را به هر طریق مجبور به مصرف مواد مخدر یا روان‌گردان نماید و یا مواد مذکور را جبراً به وی تزریق و یا از طریق دیگری وارد بدن وی نماید به یک و نیم برابر حداکثر مجازات قانونی همان جرم و در مورد حبس ابد به اعدام و مصادره اموال ناشی از ارتکاب این جرم محکوم می‌شود. در صورت سایر جهات از جمله ترغیب، مرتکب به مجازات مباشر جرم محکوم می‌شود.

همان گونه که در این مواد قانونی دیده می‌شود، قانون‌گذار تنها به میزان مواد مخدر کشف شده، توجه نموده و آن را مبنا و ملاک تعیین مجازات اعدام قرار داده است که با مبانی فقهی و قانونی همخوانی ندارد، زیرا قانون‌گذار قیدهای شدید و عمده را لازم دانسته و چنین اموری با مقدار مواد مکشوفه روشن نمی‌شود و از دیدگاه فقهی نیز تجارت مواد مخدر یک جرم تعزیری است و مفسد فی الارض بر شمردن این جرم، آن هم با مسامحه کامل باند و تشکیلات گسترده می‌تواند بشود. از این رو نمی‌توان مجرمی که ۵ کیلوگرم مواد مخدر به همراه دارد را مفسد فی الارض دانست و به اجرای حکم اعدام اقدام نمود.

۷. نقدی بر طرح الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر

نمایندگان مجلس شورای اسلامی یک فوریت طرح «الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر» را که منجر به کاهش موارد اعدام در این جرایم می‌شود را در آذرماه ۱۳۹۵، تصویب کردند که در صورت تصویب نهایی این طرح، یک ماده به شرح زیر به عنوان ماده ۴۶ به قانون مبارزه با مواد مخدر الحاق

می‌شود.

«مرتکبان جرایم مرتبط با مواد مخدر در موارد زیر مفسد فی الارض محسوب شده و در سایر موارد که اعدام و حبس ابد در نظر گرفته شده است، به بیش از ۲۵ سال تا ۳۰ سال حبس درجه یک محکوم می‌شوند:

الف - مواردی که مباشر جرم یا حداقل یکی از شرکا حین ارتکاب، سلاح گرم همراه داشته یا سلاح سرد و یا گرم کشیده باشند.

ب - مواردی که مرتکب بر اساس ماده ۱۸ این قانون یا ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی، سردسته گروه مجرمانه سازمان یافته باشد.

پ - مواردی که مرتکب سابقه محکومیت به اعدام یا ۱۰ سال حبس یا بیش از آن یا گذراندن حداقل پنج سال حبس به علت ارتکاب جرایم موضوع قانون مواد مخدر را داشته باشد.

ت - ساخت یا تولید یا وارد کردن مواد موضوع ماده ۸ این قانون به کشور، مشروط بر آنکه بیش از ... کیلوگرم باشد».

حجم مواد حمل شده در بند «ت» این ماده در کمیسیون حقوقی و قضایی تعیین خواهد شد.

همچنین بر اساس تبصره این ماده «در مورد جرایم موضوع این قانون که حبس بیش از دو سال دارد، مرتکب الزاماً باید حداقل مجازات قانونی را طی کند و کمتر از این مدت، به جز تبصره ماده ۳۸ این قانون، مشمول معافیت، تخفیف، تبدیل، آزادی مشروط، مرخصی از زندان و سایر نهادهای ارفاقی نخواهد شد. در صورتی که حکم به مجازات بیش از حداقل مجازات قانونی باشد، دادگاه می‌تواند بخشی از مجازات حبس را پس از گذراندن حداقل مجازات قانونی به مدت ۱۰ الی ۱۵ سال تعلیق کند. این قانون شامل دارندگان محکومیت قطعی فعلی نیز می‌شود».

یک فوریت این طرح با ۱۴۷ رأی موافق، ۲۱ رأی مخالف و ۴ رأی ممتنع از مجموع ۱۹۵ نماینده حاضر در صحن به تصویب رسید و کلیات و جزئیات آن نیز پس از بررسی و تصویب در کمیسیون حقوقی و قضایی در صحن مجلس بررسی خواهد شد.

تصویب این طرح گام مؤثری در راه کاهش اعدام جرایم مواد مخدر است، اما مشکلی که در این ماده وجود دارد، آن است که؛ گسترش قلمرو جرم افساد فی الارض که یک جرم حدی است، در آن صورت گرفته که از چند جنبه ایراد دارد؛

در بند الف، صرف به همراه داشتن سلاح گرم، حتی اگر آشکار نباشد، موجب تحقق افساد فی الارض شده است، در حالی که گسترده بودن و ایجاد ناامنی از لوازم تحقق جرم افساد فی الارض است، پس بهتر

است، این بند حذف شود و یا در صورت آشکار شدن سلاح و سلب امنیت و ترسیدن مردم، مرتکب در قلمرو جرم محاربه قرار گیرد.

در بند پ این ماده، تنها وجود یک بار سابقه تحمل حبس، موجب تحقق افساد فی الارض دانسته شده است، بر چه مبنایی؟ چگونه یک بار انجام یک عمل مجرمانه، موجب تحقق جرمی حدی که قانون گذار، مجازات اعدام را برای آن تعیین نموده است، می شود؟ با توجه به این که قانون گذار در تعریف مفسد فی الارض از قیود؛ گسترده و شدید، استفاده کرده است، چنین الحاقی به نظر صحیح نمی آید. از سویی حتی فقهایی که درباره شخصی که عادت به قتل اهل ذمه نموده است، با وجود اختلاف در مفسد فی الارض بودن چنین شخصی، درباره این که انجام عمل مجرمانه برای بار دوم یا سوم، موجب تحقق افساد فی الارض است، اختلاف دارند. (شهید ثانی، مسالک الافهام، ۱۴۱۶: ۱۴۴) این ایراد بر بند پ وارد است که قاعده درء، در چنین مواردی مانع صدور و اجرای حکم اعدام است. از این رو این شبهه به میان می آید که آیا می توان به صرف یک بار محکومیت و تحمل مجازات و تکرار عمل برای بار دوم، شخص را مفسد فی الارض دانست یا در مرتبه سوم چنین چیزی به واقع نزدیک تر است که با توجه به قاعده درء و این که بنای حدود بر تخفیف است، دست کم باید این حکم به مرتبه سوم اختصاص یابد یا به طور کلی این بند، حذف گردد.

و در بند ت باز هم مقدار و کمیت مواد مکشوفه به عنوان مبنایی برای جرم افساد فی الارض دانسته شده است، در حالی که کمیت مواد، هیچ ملاک و مبنایی برای تعیین گسترده بودن جرم و قصد ایجاد فساد و اخلال در جامعه نیست... این امور با تفسیر مضیق قوانین جزائی و عدم جواز قیاس در حدود، همخوانی ندارد. درباره تعیین مجازات اعدام باید به قدر متیقن اکتفا نمود، زیرا مهم ترین مانع برای تدوین این سه بند، قاعده احتیاط در دماء است که در موارد غیر یقینی باید از صدور حکم به قتل خودداری نمود.

نتیجه گیری

هدف از تعیین و اجرای مجازات، پیشگیری عام و خاص و کاستن از آمار جرم است، اما درباره تجارت مواد مخدر با وجود سالها برخورد سخت و اعدام های فراوان، چنین کاهشی دیده نمی شود، زیرا تجارت پرسود مواد مخدر بسیار فریبنده است و مجرمین، به ویژه طبقه متوسط و فقیر، از آن چشم پوشی نمی کنند و این یعنی ناکارآمدی مجازات اعدام و از سوی دیگر، این شیوه برخورد موجب شده آمار اعدام در ایران به شدت افزایش یابد و در نتیجه تلاش های جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تجارت مواد مخدر، دیده نشود، زیرا سایه اعدام هزاران انسان بسیار سنگین تر از آن است که کسی به علت آن توجه نماید.

کنکاشی در مبانی فقهی جرم انگاری مواد مخدر، این نکته را به روشنی می‌نمایاند که تجارت مواد مخدر یک جرم تعزیری است و در نتیجه قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران حق تعیین مجازات اعدام را برای این دسته جرایم، به دلیل قاعده «التعزیر دون الحد» ندارد و تنها در صورتی می‌تواند اقدام به مجازات اعدام، آن هم با اما و اگرهای فراوان، نماید که تجارت مواد مخدر ذیل عنوان مجرمانه افساد فی الارض قرار گیرد، که جرم انگاری آن نیز با ایراد روبرو است و نیازمند پژوهشی جداگانه می‌باشد، که در آن صورت نیز تنها برخی از مواردی که جرم قاچاق مواد مخدر موجب سلب امنیت گردد و به صورت گسترده و به قصد اختلال در امنیت کشور باشد، می‌تواند موجب مجازات اعدام گردد، نه این که بر مبنای مقدار مواد مکشوفه حکم به اعدام تعیین و اجرا گردد.

از سویی مجرم انسان است و شارع مقدس اسلام به حفظ جان اهتمام ویژه‌ای دارد و نمی‌توان بدون مبنایی از قرآن و سنت به مرگ یک انسان حکم داد، زیرا شارع با توجه به این که در مجازات‌ها مسئله جان و مال و آبروی انسان‌ها در میان است، با تعیین قاعده درء الحد و احتیاط در دماء، فروج و اموال، که حکم این قواعد متوجه قانون‌گذار نیز می‌باشد، قانون‌گذار را در تعیین و اجرای مجازات محدود نموده است. درباره مجازات اعدام در مواد مخدر نیز این قواعد حاکم می‌باشند، زیرا تجارت مواد مخدر یک جرم تعزیری است و تعیین مجازات اعدام برای آن با شبهه روبرو است و به موجب قاعده احتیاط در دماء نیز در چنین مواردی باید از حکم به اعدام و تهجم به دماء خودداری نمود. اما متأسفانه قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران بدون توجه به این قواعد فقهی، اقدام به اعدام گسترده مرتکبین تجارت مواد مخدر نموده که شایسته است هر چه سریع‌تر با قانون‌گذاری صحیح و جایگزینی مجازات‌های دیگر به جای اعدام، این قانون را اصلاح نماید و شدت عمل در برخورد با چنین مجرمینی را به گونه‌ای دیگر، همچون ممنوعیت عفو اعمال نماید.

در طرح یک فوریتی نیز که توسط مجلس تصویب شده، هر چند به محدودیت و نظام مند شدن مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر می‌انجامد، اما باز هم وجود یک بار سابقه محکومیت و اجرای حکم حبس مواد مخدر و یا میزان مواد مکشوفه در مواردی موجب مجازات اعدام دانسته شده که با مبانی فقهی و قواعد فقهی درء و احتیاط در دماء، ناهمخوان است و بهتر است، اکنون که گامی برای اصلاح این قانون برداشته شده است، این گام به طور شایسته برداشته شود و تا حد امکان این مجازات محدود گردد و بر مبنای فقهی و حقوقی صحیح بنیان نهاده شود، یعنی یا به طور کامل و بر مبنای احتیاط در دماء، این مجازات حذف گردد که کاری به جا و پسندیده خواهد بود و یا طبق قانون جدید مجازات اسلامی و تعریفی که از مفسد فی الارض شده است، فقط محدود به پخش‌کننده‌هایی در سطح گسترده در کشور، اختصاص

یابد و تکرار در مرتبه سوم و یا چهارم را منجر به اعدام بدانند تا چهره نیک و درستی از اسلام و قوانین اسلامی آن گونه که بایسته است، در قوانین جمهوری اسلامی ایران، نمایان شود و جان بسیاری از انسان‌ها، بدون استناد شرعی گرفته نشود.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- ابن ادريس حلی، احمد، السرائر، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
- ابن حزم اندلسی، ابي محمد علی بن أحمد، المحلّی، بی جا: دارالفکر، بی تا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۴ق.
- اصفهانى، حسین بن محمد راغب، مفردات الفاظ قرآن، لبنان - سوریه: دارالعلم، دارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
- انصاری قدرت الله، انصاری، محمدجواد، بهشتی، ابراهیم، طباطبائی، علی اکبر، تعزیرات، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
- باصری، علی اکبر، مواد مخدر در منابع فقهی و فتاوی مراجع تقلید عظام، چاپ سوم، تهران: انتشارات خرسندی، ۱۳۸۹.
- خامنه ای، سیدعلی، اجوبة الاستفتائات، بیروت: الدارالاسلامیه للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۲۰ق، ۱۹۹۹م.
- خمینی، روح اله، استفتائات، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۲ق.
- خمینی، روح اله، تحریر الوسيلة، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
- سلار بن عبدالعزيز، المراسم العلویة، قم: المعاونه الثقافیه للمجمع العالمی لأهل البيت (ع)، ۱۴۱۴ق.
- سید مرتضی علم الهدی، سید حسین، الانتصار، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، المقنعة، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
- شهید اول، محمد بن مکی، القواعد و الفوائد، قم: کتاب فروشی مفید، بی تا.
- _____، اللمعة الدمشقیة، قم: منشورات دارالفکر، ۱۴۱۱ق.
- شهید ثانی، زین الدین الجبجعی العاملی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم: منشورات جامعه النجف الدینیة، ۱۴۱۰ق.
- شهید ثانی، زین الدین الجبجعی العاملی، مسالک الأفهام فی شرح شرائع الاسلام، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۶ق.
- صدر، محمد باقر، بحوث فی شرح العروة الوثقی، نجف: مطبعة الاداب، ۱۹۷۱م، ۱۳۹۱ق.
- طباطبائی، محمدحسین، المیزان، قم: منشورات جماعه المدرسین فی حوزه العلمیه، بی تا.
- طبرسی، ابي علی الفضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۹۹۵م، ۱۴۱۵ق.

- طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، **الخلافت**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۰ق.
- _____، **النهاية**، قم: قدس محمدی، بی تا.
- _____، **تبیان**، بی جا: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ق.
- طیار، عبدالله بن محمد، **المخدرات فی فقه الاسلامی**، چاپ دوم، دار ابن جوزی، ریاض، ۱۴۱۸ق/ ۱۹۹۷م.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، **قواعد الاحکام**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ق.
- فتحی بهنسی، احمد، **الموسوعة الجتائیة فی الفقه الاسلامی**، بیروت: دار النهضة العربیة، ۱۴۱۲ق.
- قانون مبارزه با مواد مخدر.**
- قانون مجازات اسلامی.**
- قرافی، شهاب الدین احمد بن ادیس، **الفروق**، بی جا: عالم الکتب، بی تا.
- گلدوزیان، ایرج، احمدزاده، ابوالفضل، **بررسی تعریف جرم محاربه و افساد فی الارض در فقه و حقوق با رویکردی به لایحه پیشنهادی قانون مجازات اسلامی**، تهران: فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، ش ۱، ۲۷۰-۲۵۵، ۱۳۸۸.
- محقق اردبیلی، احمد، **مجمع الفائدة و البرهان**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
- محقق حلی، نجم الدین جعفر بن الحسن، **شرایع الاسلام**، تهران: استقلال، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.
- محقق داماد، سید مصطفی، **قواعد فقه بخش جزایی**، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۸۶.
- عمید زنجانی، عباسعلی، **قواعد فقه بخش حقوق جزا**، تهران: سمت، ۱۳۸۶.
- هاشمی، محمود، **محارب کیست و محاربه چیست**، فقه اهل بیت، شماره ۱۱ و ۱۲: ۱۴۳-۲۰۰، ۱۳۷۶.
- هلالی، سعد الدین مسعد، **التأصیل الشرعی للخمر و المخدرات دراسة فقهية مقارنة**، کویت: المنظمه الاسلامیه للعلوم الطیبیه، ۱۴۲۱ق/ ۲۰۰۱م.
- نجفی اصفهانی، محمد حسن، **جواهر الکلام**، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
- نووی، محی الدین، **المجموع**، بی جا: دارالفکر، (بی تا).
- لنکرانی، محمد فاضل موحدی، **جامع المسائل**، قم: انتشارات امیر قلم، (۱۴۲۵ق)